خلاصه کتاب مبانی برنامه ریزی آموزشی از دکتر یحیی فیوضات

فصل اوّل :

اهمیت برنامه ریزی آموزشی و پرورشی . در این فصل برنامه ریزی را از دیدگاه های مختلف تعریف می کند یکی از جامع ترین تعریف های برنامه ریزی فراگردی است مداوم ، حساب شده و منطقی ، جهت دار و درونگر ، به منظور ارشاد و هدایت فعالیّتهای جمعی برای رسیدن به هدف مطلوب می باشد . همچنین آموزش و پرورش را نیز مورد بررسی قرار داده وآن را به عنوان فعالیّتی مداوم ،جامع وبرای همه ،برای رشد و تکامل انسان ،غنای فرهنگ و تعالی جامعه تعریف می کند . ورابطه ی آن را توسعه ی اقتصادی فروابط اجتماعی بیان می کند و دیدگاه سیاست گزاران و متفکران اجتماعی رادر مورد مفید یا غیر مفید بودن آن بیان می کند .

فصل دوّم : سیر تحول و تکامل برنامه ریزی آموزشی و پرورشی

در این فصل ابتدا برنامه ریزی آموزشی وپرورشی را از دیدگاه های مختلف مورد بررسی قرار داده و تعریف لکت را به عنوان جامع ترین تعریف بیان می کند . «فراگردی است برای تعیین کردن هدف های مناسب ،تشخیص دادن مسائل و نیازها و امکانات و محدودیت هایی که برای رسیدن به آن هدف ها موجود است یا محتملاً وجود خواهد یافت ،و تنظیم کردن فعالیت ها و برنامه هایی که برای رسیدن به آن لازم است .» وسپس انواع برنامه ریزی را بیان می کند . سپس برنامه ریزی را از نظر زمان عمل ،حیطه و دامنه عمل و چگونگی عمل تقسیم می کند و انواع آن را بیان می کند . سپس تاریخچه تحول برنامه ریزی آموزشی و پرورشی را در ایران وجهان و کمبود های آن را بیان می کند .

فصل سوم: اصول برنامه ریزی

اصول برنامه ریزی را به سه قسمت اصول مقدماتی، اصول عمومی و اصول متمم تقسیم می کند .

اصول مقدماتی را به سه قسمت تقسیم می کند: 1- هماهنگی توسعه کمی با رشد و بهبود کیفی آموزشی 2- همبستگی سطوح مختلف و انواع آموزشی و پرورشی 3- انطباق برنامه های آموزش و پرورش با نیاز های توسعه ملی

اصول عمومی را به پنج دسته تقسیم می کند و اصول متممرا که شامل : 1- اصل واقع بینی 2- اصل همکاری و مشارکت 3- اصل استمرار و ارزیابی 4- اصل تغییر و تحول 5- اصل ضمانت اجرایی می باشد تقسیم می کند .

فصل چهارم : مبانی تهیه و تنظیم برنامه (ارکان برنامه ریزی)

برنامه شامل سه رکن می باشد 1-هدف 2- وسایل ومنابع 3- تدابیر راهبردها و سپس نقش تصمیم گیرپرا در برنامه ریزی آموزش وپرورش بیان می کند سپس حوزه امکانات را که از تلاقی دو مجموعه منابع وموانع شکل می گیرد را توضیح داده و آن را از دیدگاه های مختلف شرح می دهد سپس به تعیین هدف در برنامه ریزی اشاره می کند و آن رابه عنوان مشکل ترین و حساسترین مسئله برنامه ریزی بیان می کند .

و هدف های آموزش و پرورش را به شش دسته به شرح ذیل تقسیم می کند 1- آرمان های جهانی 2- آرمان های ملی آموزش و پرورش 3- رسالت و ماموریت سیستم آموزش و پرورش 4- وظایف پاره سیستم آموزش و پرورش 5- مقاصد اجرای پاموزش و پرورش 6- هدف های درسی و هر یک را توضیح می دهد . سپس به شناخت منابع و موانع آموزش و پرورش می پردازد و آن را به سه دسته محدودیت های درون زا ،محدودیت های برون زا و محدودیت های مختلط بیان می کند و نقش آن را در برنامه ریزی آموزش و پرورش بیان می کند .

فصل پنجم : مدل های برنامه ریزی آموزشی و پرورشی

مدل به زبان ساده الگویی ایت به مقیاس کوچک از واقعیت که براساس پیش فرض هایی بنا شده است که آن را به دو دسته ی مدل های پیش بینی کننده و مدل های تشریح کننده تقسیم می کند .

جانستون مدل هارا از دودیگاه تقسیم می کند . دیدگاه اوّل مربوط به سطح آموزش و پرورش می باشد که شامل سه سطح می باشد : 1- سطح واحد آموزشی2- سطح سیستم و پاره سیستم آموزشی 3- سطح سیستم آموزشی در ارتباط با توسعه ی اقتصادی

دیدگاه دوم مربوط به مبنای ریاضی مدل ها می باشد که چهار دسته تقسیممی کند 1- مدل های بسته 2- مدل های زنجیر مار کو 3- مدل های رگزسیون 4- مدل های ریاضی

مدل های بسته مبنای ریاضی پیچیده ای ندارند ودر آن متغییر ها ذبا ضرایب ثابت و از پیش تعیین شده با یکدیگر مربوط می شوند . مدل های زنجیر مارکو نتیجه ای شبیه به مدل های بسته تولید می کنند

مدل های رگرسیون :اگر دو عامل به یکدیگر بستگی داشته باشند تغییر یکی با تغییر دیگری قرین خواهد بود که به رگرسیون ساده ورگرسیون مرکب تقسیم می کند .

سپس محدویت مدل های برنامه ریزی آموزش و پرورش را بیان می کند و مدل آسیاس توسعه ی آموزش وپرورش را شرح می دهد . و مدل چسواس را که برای برنامه ریزی آموزشی کشورهای در حال رشد می باشد را توضیح می دهد .

اصول برنامه ریزی آموزشی (بخش اول)

امروزه، برنامه ریزی آموزشی یکی از ضروریات اداره موفق امور سازمانها و مؤسسات، به ویژه سازمانها و مؤسسات آموزشی است. بدیهی است جهت اطمینان از تهیه و تولید و نیز اجرای برنامه‌های آموزشی مناسب، برنامه‌ریزی آموزشی باید دارای اصولی به عنوان راهنمای عمل برنامه ریزی بوده و منجر به موفقیت برنامه های آموزشی گردد. اصول کلی برنامه ریزی آموزشی که با هم ارتباط منطقی داشته و در واقع راهنمای ما در عمل و نیز دست‌یابی به اهداف می‌باشند، به شرح زیر دسته‌بندی می‌گردند. لازم به توضیح است که برنامه ریزی آموزشی فرمول ویژه‌ای ندارد و از جایی به جایی و از موردی به مورد دیگر، متفاوت است، لیکن، اصول برنامه ریزی آموزشی در همه جا یکسان و صادق است.

الف- اصول مقدماتی

ب- اصول عمومی

ج- اصول متمم

الف: اصول مقدماتی

1- هماهنگی توسعه کمی با رشد و بهبود کیفی آموزش

منظور از این اصل این است که همزمان و همگام با گسترش و تعمیم آموزش و پرورش باید به اصلاح آن نیز اقدام نمود. اگر توجه صرف برنامه‌ریزی آموزشی به رشد کمی باشد، در واقع به نوعی عیب و نقص های موجود در آموزش و پرورش را با وسعت بیشتری گسترش می‌دهد.

2- همبستگی سطوح مختلف و انواع آموزش و پرورش

منظور از این اصل این است که برنامه ریزی آموزشی تنها محدود به یک دوره خاص مثلاً ابتدایی نگردد، بلکه به تمام دوره‌های آموزشی اعم از رسمی و غیر رسمی، از کودکستان و پیش دبستانی گرفته تا دانشگاه و نیز آموزش و پرورش بزرگسالان توجه نماید. در حقیقت، این اصل بیان می‌دارد که برنامه ریزی آموزشی باید به آموزش و پرورش با دیدی وسیع و جامع نگریسته و تنها به یک هدف واحد مانند تربیت نیروی بازار کار اختصاص نیابد، بلکه تمام نیازهای تربیتی فراگیران را مد نظر قرار دهد.

3- انطباق برنامه آموزشی با نیازهای توسعه ملی

این اصل بیان می‌دارد که برنامه ریزی آموزشی نباید منفک از برنامه ریزی عمرانی و اجتماعی انجام گیرد، بلکه باید با برنامه‌های اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی هماهنگ بوده و در چارچوب برنامه‌ریزی توسعه ملی صورت گیرد.

اصول برنامه ریزی آموزشی (بخش دوم)

ب: اصول عمومی

1- جامعیت

یک برنامه‌ریزی آموزشی جامع باید تمام دوره‌های آموزشی رسمی و غیر رسمی را در بر گرفته و علاوه بر مسائل آموزشی، به امور مدیریت، بودجه و اعتبارات، ساختمان و تاسیسات، تجهیزات و سایر ملازمات امر نیز توجه نماید.

2- همبستگی

آموزش و پرورش در ارتباط با آرمانهای ملی ، هم هدف است و هم وسیله. هدف است؛ چون خودش ارزش دارد و برای غنای فرهنگی و تعالی ارزشهای انسانی لازم است. وسیله است؛ زیرا برای رسیدن به هدفهای دیگر اجتماعی، اقتصادی و ...، ضروری است. از اینرو، برنامه ریزی آموزشی باید با برنامه ریزی توسعه ملی همبستگی داشته باشد.

3- مداومت

آموزش و پرورش فعالیتی است که به زمان نیاز داشته و دیر بازده است. به عبارتی، محصول آموزش و پرورش از زمان ورود به پایه اول ابتدایی تا اتمام تحصیلات دانشگاهیی حدود 20سال طول می‌کشد. بنابراین نیاز به یک برنامه ریزی مداوم و درازمدت می‌باشد. در این اصل انعطاف و مداومت باعث تجدید نظر و همگاهی برنامه با پیشرفت علم و تکنولوژی و تغییر و تحول نیازها و شرایط می شود.

4- توجه به جنبه های کیفی

توسعه کمی و اصلاح کیفی ابعاد دوگانه رشد و اصلاح آموزش و پرورش می باشند. بزرگی و یا کوچکی یک بعد نسبت به دیگری موجب عدم تعادل و عدم تناسب نظام آموزشی می گردد. کیفیت آموزش و پرورش با چگونگی اهدف آموزش و پرورش، برنامه های درسی، روش تدریس، تربیت معلم، کتب و مواد درسی و سایر مسایل مربوط به محتوا و ماهیت آموزش و پرورش سر و کار دارد. از این رو، در برنامه ریزی آموزشی، باید تدابیر و طرح های لازم برای بهبود اصلاح جنبه های کیفی آموزش و پرورش به طور دقیق منظم و موثر منظور شود.

5- توجه به مدیریت و سرویس اطلاعات

بدون اطلاعات و آمار صحیح و کامل نمی توان برنامه ریزی درستی انجام داد. در واقع تدوین یک برنامه آموزشی صحیح مستلزم وجود مدیریت علاقمند، وارد و دارای اطلاعات و آمار دقیق است.

اصول برنامه ریزی آموزشی (بخش سوم)

ج: اصول متمم

1- واقع بینی

به زعم مک کینون، واقع بینانه بودن برنامه مستلزم توجه به چند سلسله عوامل است:

عوامل کمی عرضه و تقاضا (تعداد جمعیت واجب التعلیم؛ نیاز به نیروی انسانی؛ منابع مورد نیاز؛ هزینه ها؛ تعداد مدارس و دانشگاهها؛ تعداد کلاسها، معلمان، مدیران، کارکنان و ...)

عوامل اجتماعی (عواملی چون نگرش اجتماع به آموزش وپرورش؛ ارزش‌های اجتماعی؛ خواست‌ها و انتظارات گروه‌های مختلف مردم از آموزش و پرورش؛ عوامل موافق و آسان ساز یا مخالف و بازدارنده‌ی تغییر، تحول و اصلاح در آموزش و پرورش و ...)

عوامل اجرایی (عواملی همچون چگونگی سازمان تشکیلات و نظام آموزش وپرورش؛ قوانین استخدامی و نظام حقوق ؛ شرایط ترفیع؛ نحوه مدیریت ؛ سلسله مراتب اداری؛ چگونگی تصمیم گیری و حدود اختیارات متصدیان امر اجرایی ؛ معلمان، حدود اختیاراتن و وظایف و نحوه عمل آنها و ... که برای بالابردن سطح کیفیت تعلیم بسیار مهم است)

عوامل سیاسی (در برنامه‌ریزی چه افرادی، در چه مواردی و تاچه حدی، در تصمیم گیری مشارکت داده می‌شوند؟ این جنبه مسائلی از قبیل هماهنگی و همکاری دستگاهها؛ مداومت و پیگیری برنامه ها و تصمیمات را نیز شامل می شود.)

عوامل مالی (چگونگی بودجه‌ریزی در آموزش وپرورش؛ کنترل و نظارت مالی؛ نحوه تعیین اولویت ها و ملاکهای بودجه بندی و ...)

عوامل اطلاعاتی (نقص اطلاعات منجر به نقص در برنامه ریزی می گردد. در واقع عدم آگاهی و اطلاع از عوامل منجر به فرار مغزها، ترک تحصیل، بی علاقگی و بی میلی تحصیلی دانش‌آموزان؛ روشهای آموزشی مناسب و غیر مناسب و ... باعث می شود که برنامه ریزی واقع بینانه نباشد)

2- اصل همکاری و مشارکت

این اصل مربوط به اجرا و عمل برنامه ریزی است. مراحل برنامه ریزی شامل تعیین اهداف؛ تعیین منابع و امکانات و نیز موانع و محدودیتها؛ انتخاب اولویتها اهداف مشخص و راهبردها؛ تدوین برنامه؛ اجرا و ارزشیابی برنامه نیاز به همکاری مشارکت متخصصان و مسئولین برنامه‌ریزی، معلمان، مدیران، دانش‌آموزان و سایر گروههاست.

3- اصل استمرار و ارزیابی

با توجه به پیشرفت‌های روزافزون علمی و تکنولوژیکی و نیز تغییرات شرایط اجتماعی و ...، یک برنامه آموزشی باید به طور مداوم ارزیابی و تجدید نظر گردیده و با پیشرفت زمان همگام شود. در حقیقت برنامه ای که با ارزیابی و بررسی مستمر همراه نباشد، برنامه ریزی نیست، بلکه نوعی اظهار نظر ذهنی است.

4- اصل تغییر و تحول

برنامه ریزی باید در روند موجود تغییر و تحول ایجاد نموده، آن را در مسیر جدیدی قرار داده وکمبودهای کمی و معایب کیفی را مرتفع نماید. در درون این اصل، اصل دیگری به نام اصل اشتقاق وجود دارد که به معنی توجه کردن به شقوق و راه حل های مختلف در تمام مراحل برنامه ریزی آموزشی است.

5- اصل ضمانت اجرایی

در تهیه و تنظیم برنامه های آموزشی باید شرایط اجرای آنها از قبیل محیط اجتماعی و سیاسی، مدیریت، سازمان و تشکیلات، نظام و مقررات اداری آموزش و پرورش، منابع فنی و انسانی و راهبردهای نوآوری و ...، نیز در نظر گرفته شود. هماهنگی و تجانس برنامه آموزشی با موارد مذکور به ضمانت اجرایی آن برنامه کمک می کند. به عنوان مثال، انتخاب راهبرد نوآوری مناسب منجر به پیوند خوردن نوآوری مورد نظر به سیستم موجود می شود. اصل ضمانت اجرایی رابطه مستقیمی با اصل واقع بینی دارد، لیکن به علت دامنه عمل گسترده تر آن تحت عنوان اصلی مجزا در نظر گرفته شده است و گرنه اصل ضمانت اجرایی در حقیقت بخشی از اصل واقع بینی است.

مبانی تهیه و تنظیم برنامه آموزشی (1)

هر برنامه شامل سه رکن اساسی است: اهداف، وسایل و منابع ، تدابیر و راهبردها. برای تهیه و تنظیم یک برنامه، لازم است که به سه سئوال درباره ارکان مذکور پاسخ گفته شود. این سئوالات عبارتند از:

1-اهداف این برنامه چیست، مقصدمان کجاست و چه می‌خواهیم؟

2-برای رسیدن به این مقصد و خواسته‌ها، به چه وسایل و منابعی نیاز داریم و محدودیت ها و منابع پیش روی ما کدامند؟

3-برای استفاده از این منابع در جهت دستیابی به اهداف برنامه، چه تدابیر و راهبردهایی را می‌توان به کار بست؟

سئوالات فوق ممکن است دارای پاسخ‌های متعددی باشند؛ لذا لازم است که برنامه‌ریز آموزشی دست به نوعی تصمیم‌گیری و انتخاب بزند. اگر برنامه‌ریزی آموزش و پرورش به سبک آرزویی و خیالی باشد، تصمیم‌گیری بسیار آسان است؛ زیرا در برنامه‌ریزی آرزویی، به حساب و کتاب و مطالعه احتیاجی نیست. اگر برنامه‌ریزی واقع‌بینانه و اصولی باشد، تصمیم‌گیری دشوار است. اصولاً، برنامه‌ریزی نوعی تصمیم‌گیری است؛ تصمیم‌گیری درباره مقصد و وسیله، اینکه چه می‌خواهیم و چگونه می‌توانیم آن را به دست آوریم.

مبانی تهیه و تنظیم برنامه آموزشی (2)

تصمیم‌گیری در برنامه‌ریزی آموزش و پرورش

در تصمیم‌گیری‌های برنامه‌ریزی آموزشی سه مفهوم مستتر است: مفهوم انتخاب، مفهوم ریسک یا خطر، مفهوم محدودیت

منظور از مفهوم انتخاب این است که برنامه‌ریز باید به نیازها و هدف‌های متفاوتی که تقاضا می‌شود، شقوق و راه‌های مختلفی که برای رسیدن به مقصد وجود دارد، و امکانات گوناگونی که می‌تواند مورد استفاده قرار گیرد توجه کند و شقوق مختلف راه‌بردها را مطالعه و در نظر گیرد. اگر در برنامه فقط یک راه ارائه شود، مسئلهٔ انتخاب منتفی می‌گردد و طبعاً نیازی به تصمیم‌گیری نخواهد بود؛ زیرا تصمیمات قبلاً گرفته شده است.

مسئله دوم در تصمیم‌گیری، احتمال خطر یا ریسک است. برنامه‌ریز باید بکوشد تا راه‌ها و تدابیر مختلفی برای رسیدن به مقصد پیدا کند. هر یک از این راه‌ها مزایا و معایبی دارند. اگر مزایای یک راه به‌طور بارزی بر مزایای راه‌های دیگر رجحان داشته باشد باز هم موضوع تصمیم‌گیری عملاً منتفی می‌شود؛ زیرا راهی که باید انتخاب شود آن‌چنان آشکار است که خود به‌خود انتخاب خواهد شد. ولی اگر توازن مزایا و معایب هر راه آن‌چنان باشد که نتوان مزیت یک راه را بر راه دیگر به آسانی تشخیص داد، در این صورت تصمیم‌گیری مستلزم سنجش مزایا و معایب راه‌های مختلف می‌شود؛ و انتخاب هر راه، خواهی نخواهي، توأم با خطر کردن

می‌گردد. گاهی اوقات تصور می‌شود که برنامه‌ریزی موجب می‌گردد که ریسک از میان برود یا به حداقل ممکن برسد. اما باید متوجه بود که برنامه‌ریزی ریسک را از میان بر نمی‌دارد ولی می‌کوشد ریسکی که می‌کند عاقلانه و حساب‌شده باشد.
مفهوم سومی که در تصمیم‌گیری‌های برنامه‌ریزی، پنهان می‌باشد، محدودیت منابع است. در حقیقت، محدودیت منابع در مقابل نامحدود بودن خواست‌ها موجب می‌شود که حق تقدم یا اولویتی برای خواست‌های خود قائل شویم. نیاز به تعیین اولویت‌ها موجب می‌شود که به برنامه‌ریزی متوسل شویم. اگر منابع محدودیتي نداشت، می‌توانستیم به همه خواست‌ها بپردازیم و نیازی به تعیین اولویت و تقدم و تأخر هدف‌ها پیدا نمی‌شد. تعیین اولویت‌ها سرآغاز برخورد منابع و نیازها است و یکی از حساس‌ترین مراحل برنامه‌ریزی می‌باشد.

مبانی تهیه و تنظیم برنامه آموزشی (3)

حوزه امکانات

تصمیم‌گیری واقع‌بینانه مستلزم آن است که اجرای آن امکان‌پذیر باشد. بدین جهت لازم است که حوزهٔ امکانات و مقدورات را بشناسیم.[۶] گروهی معتقدند که حوزهٔ امکانات از تلاقی دو مجموعهٔ منابع و موانع ایجاد می‌شود.

گروهی دیگر نیز عقیده دارند که حوزهٔ امکانات از تلاقی سه مجموعه توقعات - نیازها، منابع - موانع، و راه‌بردها - اولویت‌ها به‌وجود می‌آید.

هر دو مدل مذکور معقول هستند و مفهوم حوزهٔ امکانات را می‌رسانند؛ ولی در هر دو مدل، از نظر چگونگی تجسم مفهوم، نقطهٔ ضعفی دیده می‌شود؛ بدین معنی که تغییر حوزهٔ امکانات را به‌درستی توجیه نمی‌کنند. مجموعه‌های توقعات و نیازها، منابع و موانع و راه‌بردها و اولویت‌ها ثابت و یکسان نیستند و در طول زمان تغییر می‌کنند. طبعاً، تغییر هر یک از آنها در محدودهٔ امکانات و مقدورات منعکس می‌شود و آن را تغییر می‌دهد. این‌گونه تغییرات را نمی‌توان در دو مدل بالا به‌درستی نشان داد.

برای رفع مشکلات بالا، شاید بهتر آن باشد که حوزهٔ امکانات را در مدلی که حوزهٔ امکانات را در حد فاصل بین مجموعهٔ منابع و مجموعهٔ موانع می‌پندارد نشان دهیم، در این مدل، سه دایرهٔ متحدالمرکز به شکل دایره‌های رشد درخت، نشان داده شده است که اشعه‌ای به مانند خط اثر آوندها آنها را قطع کرده و قطاع‌هایی ساخته است. سه دایرهٔ مزبور معرف سه مجموعه هستند: مجموعهٔ توقعات، نیازها، خواست‌ها و انتظارات فردی و اجتماعي - مجموعهٔ منابع مادي، مالي، علمي، فنی و انساني - مجموعهٔ موانع و محدودیت‌ها.

محدودهٔ امکانات و مقدورات در حد فاصل بین مجموعهٔ منابع و مجموعهٔ موانع و محدودیت‌ها قرار گرفته است. این محدوده که به‌نام حوزهٔ امکانات نامیده می‌شود، به شکل تاجی بین دو دایرهٔ دوم و سوم که به ترتیب معرف مجموعهٔ منابع و مجموعهٔ موانع هستند، نشان داده شده است. طبق این مدل هر قدر دامنهٔ منابع وسیع‌تر شود، حوزهٔ امکانات نیز بزرگ‌تر می‌گردد و هم‌چنین، هر قدر از موانع و محدودیت‌ها کاسته شود، میدان عمل، و مقدورات بازتر می‌گردد. برعکس، هر قدر فاصلهٔ بین منابع و محدویت‌ها کمتر شود، حوزهٔ امکانات و میدان عمل نیز تنگ‌تر می‌شود.

در این میان، موقعیت و نقش راه‌برد یا استراتژی چیست؟ راه‌برد یا خط مشي، مجموعه تدابیری است که با استفاده از پاره‌ای منابع، و بر کنار ساختن بعضی موانع و محدودیت‌ها، ما را به تعدادی از هدف‌ها و خواست‌ها می‌رساند. در این مدل، راه‌بردها به‌صورت شعاع‌ها یا خطوط اثر آوند نشان داده شده‌اند که از مرکز مشترک دایره‌های رشد که معرف کانون اجتماع است منشأ می‌گیرند و دایره‌های رشد را به قطاع‌هایی تقسیم می‌کنند. بدین ترتیب، بسته به استراتژی‌هایی که به‌کار برده می‌شود، اولویت بین هدف‌ها و خواست‌ها مشخص می‌گردد و معلوم می‌شود به چه منابعی نیاز است، چه موانع و محدودیت‌هایی بر سر راه قرار دارد، و محدودهٔ امکانات و مقدورات چیست.

مبانی تهیه و تنظیم برنامه آموزشی (3)

تعیین هدف‌های آموزش و پرورش

تعیین هدف، حساس‌ترین و به اعتباری مشکل‌ترین مسئلهٔ برنامه‌ریزی آموزش و پرورش است؛ زیرا آموزش و پرورش فعالیتی است بنیادی که در حیات سیاسی، اقتصادي، اجتماعی و فرهنگی اجتماع منعکس می‌شود و اثر غیر قابل برگشت می‌گذارد. رشد، ترقي، و کمال و تعالی انسان‌ها و اجتماع به نوع آموزشی که افراد، چه در مدرسه و چه در خارج از آن، می‌بینند بستگی دارد. اگر کیفیت و کمیت آموزش خوب باشد زمینه‌ای لازم برای پیشرفت و تعالی فراهم می‌آورد و اگر بد باشد موجب انحطاط و عقب‌ماندگی می‌شود.

سطوح هدف های آموزش و پرورش از نظر برنامه‌ریزی

آرمان‌های جهانی آموزش و پرورش

آرمان‌های جهانی آموزش و پرورش از مرزهای سیاسی و جغرافیایی فراتر می‌روند، همه بشریت را فارغ از نژاد، دین، و مرام در بر می‌گیرند، و متضمن رسالتی هستند که آموزش و پرورش باید در پایدار ساختن تفاهم صلح و امنیت، برابر ساختن

فرصت‌ها، استقرار حقوق و عدالت اجتماعي، گسترش مرزهای دانش و معرفت و پیشبرد بشریت به سوی کمالات انسانی در سراسر جهان بر عهده گیرد. آرمان‌های جهانی آموزش و پرورش در دستورات ادیان بزرگ، نوشته‌ها و گفته‌های متفکران انسان‌دوست، و هم‌چنین در پاره‌ای از منشورها و توصیه‌نامه‌های سازمان ملل منعکس هستند.

آرمان‌های ملی آموزش و پرورش

آرمان‌های ملی آموزش و پرورش از فرهنگ ملی ریشه می‌گیرند و هدف‌های سیاسي، اقتصادی و اجتماعی ویژه هر کشور را دنبال می‌کنند؛ مثلاً، هدف شهروندی و میهن‌پرستی ضمن آنکه یک هدف عمومی است، در هر کشوری رنگ سیاسی و فرهنگی خاص آن کشور را به‌خود می‌گیرد. در یکی تکیه بر اشاعه مرام سیاسی سوسیالیستی است؛ در یکی دیگر، حفظ و تقویت مبانی حکومت دموکراسي؛ در یکی تکیه بر تعلیمات مذهبی و ارزش‌ها و اخلاقیات عیسوی است؛ در یکی دیگر، پیروی از تعالیم عالیه اسلامي؛ در بعضی تکیه بر احیاء فرهنگ و ارزش‌های ملی آفریقایی است؛ در برخي، تقویت مبانی فرهنگ ملی و جهان‌بینی خاص کشورهای آسیایي.

رسالت و مأموریت آموزش و پرورش

رسالت و مأموریت آموزش و پرروش از آرمان‌های ملی آموزش و پرورش منشأ می‌گیرند و در حقیقت، هدف‌هایی هستند که نهاد آموزش و پرورش به خاطر آنها پدید آمده است، و برنامه‌ریزی به منظور تحقق بخشیدن به آنها انجام می‌شود.

این نوع هدف‌ها، مانند آرمان‌های ملی آموزش و پرروش، از نظر بُعد زمان، جزء هدف‌های بلندمدت به‌شمار می‌روند، و مانند آنها در قالب عبارات رنگین و کلی بیان می‌شوند؛ ولی نسبت به آنها مشخص‌تر و ملموس‌تر هستند. بدین قرار که در قوانین مختلف شکل می‌گیرند، و اولویت‌ها را منعکس می‌سازند، و خط مشی و سیاست آموزشی و پرورشی رسمی را مشخص می‌کنند.
هدف‌های تربیت نیروی انسانی مورد نیاز بخش‌های تولیدی خدمات تحکیم و تقویت اعتقادات و شعایر دیني و اخلاقي، حفظ و گسترش میراث‌های فرهنگي، و القای همبستگی و وحدت و غرور ملي، جزء رسالت و مأموریت سیستم آموزش و پرورش ذکر می‌شوند. از این میان، بعضی از هدف‌ها نسبتاً دقیق و مشخص هستند. برخی دیگر، مفهوم روشن و معینِ قابل اندازه‌گیری ندارند و می‌توانند به‌صورت‌های متفاوتی تعبیر و تفسیر شوند. اگر منظور از سیستم آموزش و پرورش، مجموعه نهادها و مؤسساتی باشد که در تعلیم و تربیت مردم یک اجتماع مؤثر هستند، دامنهٔ عمل و پوشش چنین سیستمی بسیار وسیع است؛ و طبعاً تعیین هدف‌ها یا رسالت و مأموریت آن نیز جنبهٔ کلی‌بافی پیدا می‌کند. ولی اگر منظور از سیستم آموزش و پرورش، مثلاً فقط محدودهٔ عمل وزارت آموزش و پرورش باشد در این صورت رسالت و مأموریت آن محدودتر خواهد بود، و به همان نسبت نیز می‌توان هدف‌ها را دقیق‌تر بیان کرد.

به‌طور کلي، سیاست و رسالت سیستم آموزش و پرورش، مبین هدف‌های برنامه‌ریزی آموزش و پرورش است و بر اساس آن، هدف‌ها و خط مشی‌های برنامه تعیین می‌گردد، هدف‌ها و خط مشی‌هایی از قبیل:

*خط‌مشی و سیاست عمومی آموزشي، مشتمل بر چگونگی ساخت و نظام آموزش و پرورش، طول دورهٔ تحصیلات همگاني، مختلط بودن آموزش در دوره‌های مختلف، برابری فرصت‌ها و راه یافتن به مدارج مختلف آموزشی و امثال آن.

*خط‌مشی اقتصاد آموزش و پرورش، مشتمل بر سهمیه آموزش و پرورش، بودجه‌بندی فعالیت‌ها و برنامه‌ها، رایگان بودن آموزش و پرورش، سرمایه‌گذاری‌های آموزشی و جز آنها.

*خط‌مشی توسعهٔ آموزش و پرورش، مشتمل بر تعیین اولویت‌های دوره‌ها و برنامه‌های مختلف آموزش و پرروش، توزیع آموزش و پرورش، هماهنگی آموزش و پرورش با برنامه‌های دیگر توسعه ملی و امثال آنها.

*خط‌مشی کیفی و فنی آموزش و پرورش، مشتمل بر چگونگی تعیین محتوای برنامه‌های آموزشي، روان‌شناسي، تکنولوژي، نوآوري، و دیگر جنبه‌های فراگرد و تولید آموزش و پرورش.

وظائف پاره سیستم‌های آموزش و پرورش

وظائف پاره‌سیستم‌های آموزش و پرورش مبین هدف‌هائی هستند که هر یک از اعضاء یا بخش‌های عمدهٔ سیستم آموزش و پرورش بر عهده دارد. مانند هدف‌های تعلیمات ابتدائي، هدف‌های تعلیمات دورهٔ راهنمائي، هدف‌های تعلیمات دورهٔ متوسطه، هدف‌های دوره‌های دانشگاهي، هدف‌های تعلیمات غیر رسمي، و امثال آنها.

این قبیل هدف‌ها در داخل سیستم کل آموزش و پرورش تعیین می‌شوند و از هدف‌های سیستم ریشه می‌گیرند. از نظر بُعد زمان، جزء هدف‌های میان مدت به‌شمار می‌روند. از نظر بُعد اختیار توسط مقامات و مراجع تصمیم‌گیری و رهبری داخلی سیستم آموزش و پرورش چون شوراهای عالی آموزش و برنامه‌ریزی تعیین می‌شوند، و از نظر برنامه‌ریزي، به‌عنوان هدف‌های مشخص برنامه تلقی می‌گردند و بدین جهت باید دقیق و مشخص باشند. هدف‌هایی چون: ریشه‌کن کردن بی‌سوادي، تأمین آموزش ابتدائی برای تمام گروه سنی اطفال مربوط، آموختن لااقل یک حرفه و فن به تمام دانش‌آموزان دبیرستاني، و متعادل ساختن رشد و توسعهٔ آموزش عالی با توسعه و عمران منطقه‌ای و امثال آنها جزء این طبقه از هدف‌ها به‌شمار می‌روند

مقاصد اجرائی آموزش و پرورش

مقاصد اجرائی آموزش و پرورش شامل هدف‌هایی هستند که رسیدن به آنها برای فراهم آوردن موجبات اجراء وظایف پاره سیستم‌های آموزش و پرورش لازم است؛ مثلاً، تربیت معلم، تربیت مدیر، تربیت راهنما و مشاور، تأسیس مدارس، احداث کتابخانه، و تهیهٔ وسایل و منابع و تجهیزات آموزشی جزء این گروه هدف‌ها می‌باشند.

هدف‌ها یا مقاصد اجرائی آموزش و پرورش از نظر بُعد زمان معمولاً جزء هدف‌های میان مدت و کوتاه مدت به‌شمار می‌روند. توسط مسؤولان و مدیران ارشد اجرایی و دفاتر برنامه‌ریزی داخلی سیستم آموزش و پرورش تعیین می‌شوند. از نظر برنامه‌ريزي، به‌عنوان هدف‌های طرح یا اجزاء برنامه تلقی می‌گردند.

هدف‌های اجرائی آموزش و پرورش، خود، غایت مقصود نیستند بلکه معرف وسیلهٔ رسیدن به مقصود هستند. به زبان ساده، هدف‌های اجرائی به ما می‌گویند: می‌خواهیم چه منابع انسانی (تعداد و نوع معلمان، مدیران، و کارکنان آموزشي) آماده کنیم، چه منابع مادی (شامل مدارس، و تأسیسات و تجهیزات) تهیه کنیم، چه منابع مالی (شامل اعتبارات جاری و سرمایه‌اي) به‌دست آوریم، چه منابع فنی (از قبیل کتاب‌ها و وسایل درسی و کمک درسی و اطلاعات فني) فراهم آوریم، و چگونه این منابع را سازمان دهیم، متشکل سازیم و به‌کار گیریم تا به هدف‌های تعلیماتی و تربیتی برنامه برسیم.

هدف‌های درسی

هدف‌های درسی شامل تغییراتی هستند که انتظار داریم فراگرد آموزش و پرورش در کردار، گفتار، و پندار محصل ایجاد کند. پوشش هدف‌های درسی خیلی وسیع‌تر از اکتساب معلومات می‌باشد، و شامل رشد فکری و تقویت قوای ذهني، رشد و بلوغ عاطفي، پرورش مهارت‌های بدني، آموزش فرهنگي و اجتماعي، آموزش حرفه‌ای و تخصص، پرورش (خوي) و تحکیم شخصیت، و آماده ساختن انسان برای خویشتن‌شناسی و دگرآگاهي، درک صفا و زیبایی و خلاقیت زندگي، و بالاخره معرفت حق و حقیقت است.

هدف‌های درسی از نظر بُعد زمان جزء هدف‌های کوتاه مدت، میان مدت، و بلند مدت به‌شمار می‌روند. کوتاه مدت هستند برای اینکه هم‌زمان با پیشرفت درس، تکوین می‌یابند. میان مدت هستند برای اینکه طول مدت درس و دوره‌های آموزشی چند سال به درازا می‌انجامد. دراز مدت هستند برای آنکه با خوی انسان می‌آمیزند و در طول زندگی با او همراه هستند.

هدف‌های درسی ظاهراً توسط برنامه‌ریزان درسی تدوین می‌شوند ولی در حقیقت، همه کسانی که فرهنگ اجتماع را به‌وجود می‌آورند، همه به‌طور غیر مستقیم در تعیین هدف‌های درسی دست دارند؛ زیرا هدف‌های درسی از آرمان‌های آموزش و پرورش منشاء می‌گیرند، و آرمان‌های آموزش و پرورش نیز محصول فرهنگ مسلط کشور است، و فرهنگ مسلط کشور مشخص کنندهٔ نوع انسان‌های مورد نیاز.

اگر هدف‌های جزیی یعنی هدف‌های در سطح دروس را هدف‌های درسی بنامیم و هدف‌های کلی یعنی هدف‌های در سطح برنامه و فعالیت و دوره‌های آموزشی را هدف‌های آموزشي، می‌توانیم بگوییم که برنامه‌ریزی آموزش و پرورش با هدف‌های آموزشی سروکار دارد نه با هدف‌های درسي. ولي، برنامه‌ریزی مواد درسی با هر دو نوع هدف‌ها مربوط است.

مبانی تهیه و تنظیم برنامه آموزشی (5)

تعیین محدوده منابع و امکانات

چرا تمام انتظارات و تقاضاهای آموزشی اجتماع برآورده نمی‌شود؟

پاسخ به سؤال بالا را باید در مجموعهٔ منابع و موانع یا مقدورات و محدودیت‌های آموزش و پرورش جستجو کرد

منابع و موانع آموزش و پرورش

الف: منابع و منابع درون زا

طبیعت فراگیری انسان

دانش و تکنولوژی آموزش و پرورش

ساخت و نظام آموزش و پرورش

ب: منابع و موانع برون‌زا

فلسفه مسلط اجتماعی

سطح تولید و سرمایه‌گذاری

سطح رفاه و عدالت اجتماعی

محیط آموزشی و پرورشی اجتماع

عوامل فرهنگی، سیاسی و اقتصادی بین المللی

ج: منابع و موانع درون‌زا و برون زا (مختلط)

توزیع آموزش و پرورش

ضریب کوشش آموزش و پرورش (منابع مادی)

منابع انسانی آموزش و پرورش

منابع و منابع درون زا

منابع و موانع درون‌زای آموزش و پرورش مربوط به ماهیت تعلیم و تربیت است و با طبیعت فراگیری انسان، دانش و تکنولوژی علوم تربیتي، و ساخت و نظام آموزش و پرورش بستگی دارد.

طبیعت فراگیری انسان

انسان چگون فرا می‌گیرد؟ کمبودهای دانش بشر دربارهٔ طبیعت فراگیری انسان یکی از محدودیت‌های اساسی آموزش و پرورش می‌باشد، ولی گذشته از آن، عامل دیگری که وابسته به طبیعت یادگیری است عامل زمان می‌باشد. یادگیری فراگردی است تدریجی و کُند، طول می‌کشد و زمان می‌خواهد. دیررس بودن محصول آموزش و پرورش یکی از اساسی‌ترین محدودیت‌های توسعهٔ آن است و به همین دلیل در برنامه‌ریزی آموزش و پرورش حائز اهمیت خاص می‌باشد

دانش و تکنولوژی آموزش و پرورش

منظور از دانش آموزش و پرورش، اطلاعات نظری است که در زمینهٔ تعلیم و تربیت به‌دست آمده؛ و منظور از تکنولوژی آموزشي، به‌کار گرفتن دانش مزبور. مجموعهٔ دانش و تکنولوژی آموزش و پرورش را می‌توان منابع فنی آموزش و پرورش نام نهاد. هر قدر منابع فنی آموزش و پرورش غنی‌تر باشد، یعنی هر قدر دانش ما بیشتر و تکنولوژی ما قوی‌تر باشد، طبعاً دامنهٔ امکانات عمل وسیع‌تر خواهد شد. برعکس، هر قدر منابع فنی ما کمتر باشد، مقدورات و امکانات محدودتر خواهد بود.
نارسایی‌هایی که در دانش و تکنولوژی آموزش و پرورش وجود دارد، به انضمام تأخیر و تعلل سیستم آموزش و پرورش در استفاده از منابع و ذخایر علمی و فنی تربیتی موجود، یکی از موانع رشد و توسعه و بهبود آموزش و پرورش به‌شمار می‌رود.

ساخت و نظام آموزش و پرورش

ساخت و نظام آموزش و پرورش می‌تواند طوری باشد که برای همه راه‌گشای تحصیل باشد و رشد و توسعهٔ آموزش و پرورش را آسان سازد؛ یا برعکس، با وضع قوانین و مقررات دست و پا گیر، ایجاد تشکیلات متحجر، و تعبیه انواع سدهای مقرراتی و تشکیلاتی و تحصیلي، مسیر گسترش و بهبود تعلیم و تربیت را با موانع گوناگون پر کند.

منابع و موانع برون‌زا

منابع و موانع برون‌زا در آموزش و پرورش، مربوط به محیط اجتماعي، سیاسي، اقتصادي، و فرهنگی است که سیستم آموزش و پرورش را در بر گرفته و احاطه کرده است.

فلسفه مسلط اجتماعی

فلسفهٔ آموزش و پرورش بازتابی است که از فلسفهٔ مسلط اجتماعی - فرهنگي. چون سیاست‌گذاری و تعین خط‌مشی سستم آموزش و پرورش کشور تابع فلسفهٔ آن است و فلسفهٔ آموزش و پرورش از فلسفهٔ عمومی اجتماعی - فرهنگی کشور سر رشته می‌گیرد، بنابراین، فلسفه اجتماعي - فرهنگی عامل اصلی تعیین خط مشی سیستم آموزش و پرورش می‌باشد. باید دید فلسفهٔ مسلط اجتماع چه رسالتی برای آموزش و پرورش قائل است و از آن چه انتظار دارد؛ مثلاً، آیا انتظار دارد که آموزش و پرورش مهد تحول و نوسازی باشد یا لنگر ثبات؟

آیا انتظار دارد که آموزش و پرورش آینده‌نگر باشد، آینده‌ساز باشد، یا آینده گزین؟

سطح تولید و سرمایه‌گذاری

سطح رفاه و عدالت اجتماعی و محدود بودن منابع مادی و انسانی کشور از جمله مهم‌ترین عوامل بازدارندهٔ رشد و توسعهٔ آموزش و پرورش هستند. امکانات مادی و منابع انسانی بستگی به سطح تولید و سرمایه‌گذاری و هم‌چنین سطح رفاه و عدالت اجتماعی دارد

به بیان دیگر، میزان منابعی که به آموزش و پرورش تخصیص داده می‌شود، بستگی دارد به اینکه درآمد ملی چه مقدار است، چه میزانی برای مصرف و چه نسبتی برای سرمایه‌گذاری اختصاص داده می‌شود، سهم بخش‌های دیگر از قبیل صنعت، کشاورزي، نیرو، تجارت، حمل و نقل، ساختمان و مسکن و بهداشت و غیره چیست، و بر اساس چه ضوابطی تعیین می‌شود، و آموزش و پرورش در مقایسه با آنها از چه نفوذ و قدرتی برخوردار است؟

محیط آموزش و پرورش اجتماع

نهادها و مؤسسات و گروه‌های مختلفی در آموزش و پرورش انسان دخالت دارند. مدرسه یکی از این نهادها است. نهادها و مؤسسات دیگر که مستقیماً در شکل دادن به شخصیت، طرز فکر و دانش و معرفت و ارزش‌های انسان تأثیری می‌گذارند و چه بسا تأثیر آنها بیش از مدرسه است، بی‌شمار هستند. از آن جمله هستند گروه‌های خویشاوندي، گروه‌های مذهبي، همسایگي، فرهنگي، و دیگر گروه‌های داوطلب، گروه‌های شغلی و صنفي، و رسانه‌های گروهي. بدیهی است محیط فرهنگی کشور نیز توأم با عوامل اجتماعي، سیاسی و اقتصادی در آموزش و پرورش انسان به‌طور مستقیم و غیر مستقیم تأثیر دارد

بسیاری از دانشمندان روان‌شناسی و علوم تربیتی معتقد هستند که رشد فکری کودک محصول برخورد ذهنی او با محیط است. هر قدر محیطی که کودک در آن پرورش می‌یابد از نظر فرهنگی و تحریک کنجکاوی و خلاقیت ذهنی غنی‌تر باشد، کودک باهوش‌تر بار خواهد آمد، و هر قدر محیط پرورش او را از نظر تحریک و تحرک فکری فقیرتر باشد، قوای دماغی او کمتر مجال رشد پیدا خواهد کرد.

عوامل فرهنگي، سیاسي، اقتصادی بین‌المللی

عوامل فرهنگي، سیاسي، اقتصادي، و به‌عبارت کلي‌تر، محیط بین‌المللی از طریق نفوذی که در محیط سیاسي، اجتماعي، اقتصادی و فرهنگی ملی می‌کنند، خواه ناخواه، در آموزش و پرورش انسان مؤثر هستند. کمک‌ها و مناسبات اقتصادی و فرهنگی و فنی کشورهای خارجی از جمله عواملی است که مستقیماً در آموزش و پرورش کشور سایه می‌اندازد و تأثیر می‌گذارد.

منابع و موانع مختلط درون‌زا و برون‌ز

برخی از اشکالات و محدودیت‌های آموزش و پرورش ناشی از تأثیرات مختلط عوام درون‌زا و برون‌زا است.

توزیع آموزش و پرورش

توزیع آموزش و پرورش با میزان دست‌یابی افراد طبقات مختلف اجتماع به آموزش و پرورش سنجیده می‌شود. آیا بچه‌های شهر و روستا برای بهره‌مند شدن از آموزش و پرورش امکانات آنها برابر است؟ دخترها و پسرها چطور؟ بچه‌های پائین شهر و بالای شهر چطور؟...

توزیع آموزش و پرورش به عوامل مختلفی بستگی دارد چون، سیاست و خط مشی اجتماعي، موقعیت جغرافیایي، شرایط خانوادگي، درآمد، محل سکونت، و ...نابرابری‌هایی که در توزیع آموزش و پرورش وجود دارد، یکی از عوامل مؤثری است که موجب شهرگرایی و فرار مغزها از روستاها و شهرهای کوچک و نقاط کم‌تحرک فرهنگی به شهرهای بزرگ می‌گردد، و به نوبه خود، مسائل بی‌شماری را به دنبال می‌آورد. اگر سیاست و خط‌مشی اجتماعی این باشد که توزیع آموزش و پرورش را عادلانه سازد، نابرابری فرصت‌های آموزشی را از میان بردارد، و راه را برای کاهش فواصل و شکاف‌های طبقات اجتماعی هموار سازد، تدابیری خواهد اندیشید که موانع و مشکلات دست‌یابی به آموزش و پرورش را در همهٔ سطوح برای همه طالبان آن از میان بردارد.

موانع و مشکلات دست‌یابی به آموزش و پرورش بسیار هستند. بعضی از آنها، چون دوری مراکز آموزش عالی و مدارس خوب از محل سکونت و زندگی در روستاها و شهرهای کوچک، فقر و مضیقه‌های مالي، و مقررات نام‌نویسی و ورود به دوره‌های بالاتر تحصیلی موانع آشکار به‌شمار می‌آیند. برخی دیگر چون عقب‌ماندگی‌های گروه‌های زیادی از اطفال و جوانان ناشی از نابرخورداری که قبلاً توضیح داده شد، سدهای مقرراتی نظام آموزشي، و چگونگی روش تعلیم و تدریس و آزمون‌ها، ظاهراً به چشم نمی‌آیند و پنهان می‌باشند، ولی نفوذ آنها دست کمی از اثر عوامل آشکار ندارد. عوامل مزبور، چه آشکار و چه نهان، بر روی هم، مشکل بزرگی در راه توسعهٔ آموزش و پرورش و توزیع عادلانه آن به نظر می‌رسند. ولی بیشتر این موانع را می‌توان از میان برداشت. رایگان شدن تحصیلات، از طلیعه‌های نویدبخش در این جهت به‌شمار می‌آید.

منابع انسانی آموزش و پرورش

کمبود منابع انسانی از قبیل معلم، مدیر، مشاور و راهنما، محقق و پژوهش‌گر، و تکنولوژیست، در همهٔ سطوح آموزش و پرورش (کودکستان، دبستان، دبیرستان و دانشگاه)، چه از نظر کیفیت و چه از نظر کمیت، یکی از اساسی‌ترین تنگناهای رشد و توسعه و بهبود آموزش و پرورش می‌باشد. بسیاری از محدودیت‌ها و عوامل بازدارندهٔ رشد و توسعه را شاید بتوان در مدت نسبتاً کوتاهی برطرف کرد، ولی پرورش نیروی انسانی و جبران کمبود آن نیازمند به زمان است. این موضوع اهمیت خاصی به برنامه‌ریزی آموزش و پرورش می‌دهد؛ زیرا منابع انسانی یکی از ارکان و عوامل اصلی مورد نیاز تمام بخش‌ها در توسعهٔ ملی می‌باشد. چه بسا در بسیاری از کشورها، کمبود منابع انسانی مهم‌ترین عامل بازدارندهٔ رشد و توسعه می‌باشد.

چون پرورش منابع انسانی به زمان طولانی نیازمند است، آموزش و پرورش باید به آینده‌نگری دقیق برنامه‌های مورد نیاز را پیشاپیش برقرار کند تا نیروی انسانی لازم به موقع آماده باشد. در این میان، تأمین منابع انسانی مورد نیاز آموزش و پرورش اهمیت بیشتری پیدا می‌کند. اگر آموزش و پرورش را به قلب فعالیت‌های کشور تشبیه کنیم، منابع انسانی مورد نیاز آموزش و پرورش به منزلهٔ رگ‌هایی خواهند بود که خون را به عضلهٔ قلب می‌رسانند، و کوچک‌ترین خللی در کار آنها اثر نامطلوبی در کار قلب به‌وجود می‌آورد، و طبعاً تمام فعالیت‌های حیاتی بدن را مختل می‌سازد.

ضریب کوشش آموزش و پرورش

برای آنکه بتوانیم میزان نسبی کوشش و فعالیتی که در زمینهٔ آموزش و پرورش در کشورهای مختلف انجام می‌شود بسنجیم و با یکدیگر مقایسه کنیم، به ملاک‌ها و معیارهای سنجش نیازمند هستیم. ضریب کوشش یکی از ملاک‌هایی است که بدین منظور انتخاب شده است و به‌کار می‌رود.

ضریب کوشش آموزش و پرورش معمولاً به دو طریق محاسبه و برآورد می‌شود:

الف: سهم اعتبارات آموزش و پرورش نسبت به درآمد ناخالص ملي.

ب: سهم اعتبارات آموزش و پرورش در بودجه

در محاسبهٔ ضریب کوشش، معمولاً اعتبارات دولتی که به وزارت آموزش و پرورش و فعالیتهای آموزش و پرورش رسمی تخصیص یافته است، ملاک سنجش قرار می‌گیرد. ولی در بسیاری از کشورها علاوه بر وزارت آموزش و پرورش، سازمان‌های دیگر دولتی و هم‌چنین بخش خصوصی سهم بزرگی در فعالیت‌های آموزش و تأمین منابع مادی آن دارند. بدین جهت، سهم اعتبارات آموزش و پرورش در بودجه معرف مجموع اعتباراتی که در کشور به مصرف آموزش و پرورش می‌رسد، نیست.

افزایش نسبی هزینهٔ آموزش و پرورش در مقایسه با افزایش تعداد شاگردان تعبیرها و دلالت‌های مختلفی برای کیفیت آموزش و پرورش، بهره‌وری آموزش و پرورش، واحد هزینهٔ آموزش و پرورش، تکنولوژی آموزش و پرورش، نوآوری آموزش و پرورش، و بودجهٔ آموزش و پرورش دارد، که هر یک به نوبهٔ خود، انعکاس خاصی در برنامه‌ریزی می‌تواند داشته باشد.

مبانی تهیه و تنظیم برنامه‌آموزشی (6)

تعیین راهبردها و اولویت‌ها

راهبردهای آموزش و پرورش رابط بین سیاست‌گزاری و برنامه‌ریزی آموزش و پرورش هستند و آنها را به یکدیگر پیوند می دهند و بدین جهت اهمیت به‌سزایی دارند .

فور و همکارانش برای شکل دادن به آموزش و پرورش سه مرحله به شرح ذیل تشخیص داده اند :

1 - سیاست‌گزاری .

2 - تعیین راهبرد (استراتژی).

3 - برنامه ریزی .

- سیاستگزاری متضمن تعیین رسالت و وظایف و خط مشی آموزشی کشور است . در این مرحله ابعاد اصلی آموزش و پرورش کشور ترسیم می شود .

- تعیین کردن راهبرد ، رابط بین مرحله سیاست‌گزاری و برنامه ریزی است . دراین مرحله ، از یک طرف رسالت و هدفهای کلی آموزش و پرورش که در مرحله سیاستگزاری تعیین شده است به صورت هدفهای مشخصتر یعنی فعالیتها مشخص می شود ، منابعی که ممکن است در اختیار قرار بگیرد روشن می گردد ، و ملاکها و ضوابط تصمیم گیری و دامنه امکانات تعیین می شود . و از طرف دیگر روش برنامه ریزی مشخص می گردد.

به هر صورت تعیین راهبردها در شکل دادن به آموزش و پرورش هر کشور نقش حساسی دارد .

تعیین راهبردهای آموزش و پرورش شامل فعالیتهایی است از قبیل :

1 – شناخت تنگناها .

2 – شناخت امکانات و نیازها .

3 – تعیین ضوابط و ملاکهای لازم برای تصمیم گیری و برقراری اولویتها .

4 – تعیین تمرکز ، عدم تمرکز و زمینه تشریک مساعی گروههای مختلف در فعالیتهای برنامه ریزی.

5 – ایجاد تعادل و هماهنگی برونی بین نظام آموزش و پرورش و نیازها و امکانات ملی و بازار کار و بررسی تاثیر تحولات و تغییرات یکی در دیگری .

6 – ایجاد تعادل و هماهنگی درونی بین سطح برنامه ریزی و فعالیتهای مختلف آموزش و پرورش و بررسی تحولاتی که انتخاب هر یک از شقوق هدفها و اولویتها در سایر قسمتها و فعالیتهای آموزش و پرورش ایجاد می کند .

7 – بررسی عواقب شقوق مختلف توزیع آموزش و پرورش و مقایسه مزایا و معایب آنها و ایجاد تعادل لازم بین نیاز بخش‌های مختلف براساس این بررسی‌ها .